

**بررسی بازتاب مسائل اجتماعی، سیاسی دوران مشروطه در داستان کوتاه «رجل سیاسی»****محمد علی جمال زاده در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی**زهرا حامدی شیروان<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر شهلا شریفی

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

**چکیده**

در این پژوهش به بررسی و تحلیل داستان «رجل سیاسی» از کتاب «یکی بود یکی نبود» محمد علی جمال زاده در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته شده است. راهبردها و ابزارهای زبانی و تحلیلی ارائه شده در تحلیل گفتمان انتقادی برای کشف و آشکار ساختن لایه‌های زیرین انواع متون و گفتمان‌ها و پی بردن به حقیقت نگرش، ایدئولوژی و طرز تفکر نویسندگان آنها (که متأثر از شرایط اجتماعی، سیاسی و فکری زمانشان می‌باشد) بسیار مناسب‌اند. در این پژوهش از برخی از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار ارائه شده در چارچوب فرکلاف شامل واژگان و معانی آنها، گزاره‌پردازی، نام‌گذاری و ارجاع، کنایه، مجاز و همچنین مؤلفه موضوعات یا کلان‌ساختارهای معنایی ارائه شده توسط ون دایک بهره‌گرفته شده و چگونگی بازتاب مسائل و واقعیات اجتماعی و سیاسی دوره مشروطه در داستان «رجل سیاسی» نشان داده شده است. در این داستان، نویسنده از این مؤلفه‌ها برای نشان دادن حقایق و اوضاع اجتماعی سیاسی جامعه استفاده کرده است و به صورت غیرمستقیم انتقاد و اعتراض خود اعلام کرده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، کنایه، مجاز، گزاره‌پردازی، کلان‌ساختارهای معنایی

**۱ - مقدمه:**

می‌توان گفت ادبیات داستانی در ایران از دوره‌ی مشروطه آغاز می‌گردد؛ در این دوره تحولات اجتماعی و سیاسی بسیاری رخ داد و تجددخواهی و نوگرایی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در تمام عرصه‌های داخلی پدیدار شد. سهم ادبیات داستانی در این دوره به خصوص داستان‌های کوتاه چشم‌گیر و قابل توجه است. در دوره مشروطه کتب داستانی و نشریات و روزنامه‌ها نقش مهمی در ساختار زبانی جامعه داشته‌اند. نویسندگان در این عصر با داستان‌های کوتاه خود هم‌بر گونه‌های زبانی جامعه و هم‌بر ایدئولوژی و افکار حاکم بر جامعه تأثیرگذار بوده‌اند و پی‌بردن به لایه‌های زیرین زبانی آن‌ها می‌تواند نحوه شکل‌گیری تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه را باز بشناساند. می‌توان گفت ک ادبیات داستانی از زبان، برای بیان دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه بهره‌ی بسیار گرفته است. تشکیل انجمن‌های ادبی نویسندگان

<sup>۱</sup> hamedishirvan@gmail.com

و شاعران خود گواه این مطلب است که آنان با تبیین عقاید و افکار خود، خط مشی ایدئولوژیکی مشخصی را بر جامعه تزریق می کرده اند. کمترین تاثیر نویسندگان معاصر این بوده است که زبان نوشتاری را چه از حیث ساخت آوایی و چه از حیث نحوی و گزینش اصطلاحات، به گفتار عامیانه نزدیک کرده اند و محمد علی جمال زاده به عنوان شاخص ترین و بنیان گذار این سبک، نویسنده ای است که شیوه او در نوشتن، گونه ای روایت یا داستان گفتاری است که مورد تقلید بسیاری از نویسندگان قرار گرفت. او در مجموعه داستان «یکی بود یکی نبود» طی شش داستان گوشه ای از زندگی طبقات مختلف مردم ایران در عهد مشروطه و چشم انداز جامع و کاملی از اوضاع اجتماعی سیاسی روزگار با زبانی ساده و شیرین و با کاربرد اصطلاحات و تعبیر عامیانه به تصویر کشیده است. در این پژوهش به بررسی و تحلیل داستان «رجل سیاسی» از همین کتاب در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته شده است.

تحلیل گفتمان که امروزه به گرایشی میان رشته ای در علوم اجتماعی تبدیل شده است از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ ریشه در جنبش انتقادی ادبیات، زبان شناسی، هرمنوتیک و تبار شناسی و دیرینه شناسی میشل فوکو دارد. این اصطلاح (تحلیل گفتمان) را نخستین بار زبان شناس معروف انگلیسی زلیک هریس به کار گرفته است. در تحلیل گفتمان معمولاً سعی می شود به تحلیل ناگفته های یک متن پرداخته شود. برای مثال آنچه را که نویسنده نمی خواهد یا نمی تواند بگوید، بیشتر مد نظر است. این ناگفته ها از طرق مختلفی مانند بررسی واژگان یک متن و معانی آنها، دلالت های ضمنی واژگان و عبارات، بررسی مؤلفه هایی چون استعاره، کنایه، مجاز، حسن تعبیر و سوء تعبیر و ساختار جملات و مؤلفه های نحوی مختلف می توانند آشکار شوند. متون نتایج و عواقب متعددی دارند؛ آنها میتوانند نگرش، عقاید یا کردار و رفتار افراد را تغییر دهند. داستان ها و متون داستانی نیز می توانند نقش مهم و مؤثری در تغییر یا تثبیت نگرشها، عقاید و رفتار و کردار افراد جامعه داشته باشند. می توان گفت هر نویسنده ای با کاربرد گفتمان یا گفتمان های خاصی، علاوه بر اینکه دیدگاهها و نظریات خود را ارائه می دهد، در شکل دهی ایدئولوژی ها و طرز فکر مخاطبان خود نیز نقش بسزایی دارد. در دوران مشروطه نیز به دلیل خفقان و استبداد سیاسی و اجتماعی نویسندگان قادر به بیان مستقیم پیام ها و اعتراضات خود نبوده و آنها را در گونه های مختلف ادبی چون شعر، رمان، داستان کوتاه و ... به صورت غیرمستقیم می گنجاندند و ادبیات تأثیر بسزایی در افکار و عقاید و بیداری مردم و حوادث سیاسی و اجتماعی دوران ایفا می کرد. در این نوشتار به بررسی همین پیام های پنهانی در داستان کوتاه «رجل سیاسی» جمالزاده با بهره گیری از ابزارهای زبانی ارائه شده در تحلیل گفتمان پرداخته می شود.

## ۲-۱- گفتمان، تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی

از آنجا که مفهوم گفتمان در تعاریف تحلیل گفتمان و تحلیل انتقادی گفتمان، یک مفهوم کلیدی و مهم می‌باشد، در ابتدا توضیح مختصری در مورد این مفهوم ارائه می‌شود.

در میان تعاریف فراوان و مختلف و گاه متضادی که در مورد گفتمان توسط صاحب نظران حوزه‌های مختلف بیان شده، باربارا جانستون<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) یک تقسیم‌بندی دوگانه در مورد معنای واژه گفتمان ارائه داده است که با مفهوم گفتمان مد نظر در این پژوهش نیز سازگاری دارد. او می‌گوید می‌توان گفتمان را یک اسم غیر قابل شمارش<sup>۲</sup> و یا یک اسم قابل شمارش<sup>۳</sup> در نظر گرفت. در این صورت گفتمان به عنوان یک اسم غیر قابل شمارش به معنی "نمودهای عینی و واقعی کنش ارتباطی با به کارگیری ابزار زبان"<sup>۴</sup> است؛ اگر گفتمان به صورت یک اسم قابل شمارش به کار برود (که در این صورت می‌توان آن را به صورت جمع هم به کار برد) در این صورت به معنای "روشهای خاص سخن گفتن که منعکس‌کننده طرز فکرهای خاص هستند و همچنین خود نیز آن طرز فکرها را شکل می‌دهند" می‌باشد؛ این روشهای به هم پیوسته طرز تفکر و سخن گفتن ایدئولوژی‌ها را می‌سازند و کارشان این است که قدرت را در جامعه به جریان در آورند. برخی از تحلیل‌گران این دو معنای گفتمان را در نوشتار به صورتی مجزا از هم نشان می‌دهند؛ بدین صورت که گفتمان در کاربرد اول را (غیر قابل شمارش) با حرف بزرگ (Discourse) آغاز می‌کنند و گفتمان در کاربرد دوم را (قابل شمارش) با حرف کوچک (discourse). (جانستون، ۲۰۰۸: ۲)

در منابع مختلف در مورد خاستگاه و منشا تحلیل گفتمان، نظرات مختلفی ارائه شده است. برخی آن را به به زلیگ هریس و دهه ۵۰ میلادی نسبت می‌دهند، عده‌ای دیگر به اوایل دهه ۶۰ و حتی برخی به گذشته‌های دورتر و دوران ارسطو؛ اما در مجموع می‌توان گفت تقریباً نقطه اشتراک و توافق اکثر نظریات و دیدگاهها در مورد منشا تحلیل گفتمان این است که تحلیل گفتمان در نیمه دوم قرن بیستم آغاز شده است.

تحلیل گفتمان را می‌توان واکنشی در برابر شکل سنتی‌تر زبان‌شناسی (زبان‌شناسی صوری، ساختاری) دانست که بر واحدهای متشکله و ساختار جمله تمرکز می‌کند و سروکاری با تحلیل زبان کاربردی ندارد. مسئله تحلیل گفتمان بر خلاف زبان‌شناسی صوری عبارتست از انتقال مفهوم ساختار از سطح جمله - یعنی روابط دستوری چون فاعل، فعل، مفعول - به سطح متن بزرگتر. (میلز، ۱۳۸۲: ۱۷۱). می‌توان گفت شالوده‌ها و بنیان‌های اکثر تعاریف و نظریاتی که در مورد تحلیل گفتمان وجود دارد، ریشه در دوگرایش مهم در زبان‌شناسی یعنی ساختگرایی و نقشگرایی دارند. آنهایی که تحلیل گفتمان را به مثابه "تحلیل زبان فراتر از سطح

<sup>۱</sup> Barbara Johnstone

<sup>۲</sup> A mass noun

<sup>۳</sup> A countable noun

<sup>۴</sup> In the medium of language



جمله "در نظر می گیرند، ساختگرایی و آنهایی که گفتمان را به مثابه "زبان به هنگام کاربرد" میدانند، نقشگرا می باشند.

تحلیل گفتمان در زبانشناسی متوقف نماند. در مدت نسبتاً کوتاهی (نزدیک به دو دهه) این گرایش از زبانشناسی اجتماعی و زبانشناسی انتقادی، به حکمت متفکرانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا، میشل پشوآ و دیگر متفکران برجسته مغرب زمین وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت.

دهه هفتاد میلادی شاهد صورتی از تحلیل گفتمان و متن بود که به نقش زبان در سازماندهی روابط قدرت در جامعه توجه داشته و به آن آگاه بود. در آن دوران اکثر پژوهشهای زبانشناختی بر جنبه هایی صوری از زبان متمرکز بودند که توانش زبانی سخنگویان را تشکیل می داد و می توان آن را از جنبه های خاص کاربرد زبان مجزا کرد. در جایی که رابطه بین زبان و بافت مد نظر بود (مثلاً در مورد توانش کاربردی زبان) هنوز جمله و سازه های تشکیل دهنده آن به عنوان واحدهای پایه زبانی در نظر گرفته می شدند. هدف اکثر پژوهشهای جامعه شناختی زبان در آن دوران، توصیف و توضیح تنوع زبانی، تغییر زبان و ساختار تعاملات ارتباطی بود و توجه کمی به موضوعاتی مثل سلسله مراتب اجتماعی و قدرت پرداخته میشد. در چنین فضایی توجه به متون، تولید و تفسیر آنها و رابطه آنها با ساختارها و حرکتهای اجتماعی، نشانگر یک نوع علاقه کاملاً متفاوت بود. برخی از فرضیات پایه در زبانشناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی که در مراحل اولیه هم بسیار مهم بودند عبارتند از:

۱- زبان یک پدیده اجتماعی است.

۲- نه تنها افراد بلکه گروهها و نهادهای اجتماعی هم معانی و ارزشهای خاصی دارند که در زبان به روشهای نظام مندی بیان می شوند.

۳- واحدهای زبانی مد نظر در ارتباط، متون هستند.

۴- خوانندگان/شنوندگان در رابطه با متون به عنوان شرکت کنندگانی غیر فعال نیستند.

۵- بین زبان علم و زبان نهادها و غیره، شباهتهایی وجود دارد. (وداک، ۲۰۰۱: ۵)

جانستون (۲۰۰۸) معتقد است: ایده نظری کنترل کننده در پس تحلیل انتقادی گفتمان این است که متون از مهمترین راههایی هستند که ایدئولوژی توسط آنها جریان می یابد و باز تولید میشود که خود این متون برای تولید، گردش و دریافت خود، درون یکسری ساز و کارهای گفتمانی قرار دارند و این ساز و کارهای گفتمانی هم باز درون یکسری ساز و کارهای اجتماعی قرار دارند. هدف تحلیل گفتمان انتقادی این است که کشف کند گفتمان و ایدئولوژی چگونه به هم مربوطند و در هم تنیده شده اند.

<sup>۱</sup> Derrida, J

<sup>۲</sup> Pecheux

روشهای سخن گفتن طرز تفکر را تولید و باز تولید می‌کنند و طرز تفکر را می‌توان با گزینش‌های دستوری، سبکی، واژگانی و هر جنبه دیگری از گفتمان، کنترل کرد. هر گزینش زبانی - نه تنها هر گزینشی در مورد چگونگی تولید زبان، بلکه هر گزینشی در مورد چگونگی تفسیر آن نیز - نوعی انتخاب است در مورد چگونگی مفصل بندی و توصیف جهان. هر انتخابی استراتژیک است به این معنا که هر گزاره ای، روشی است برای برای مشاهده دنیا به دلخواه آن انتخاب و نه انتخاب‌های دیگر. (جانستون، ۲۰۰۸: ۵۳)

## ۲-۲- رویکرد نورمن فرکلاف

تحلیل گفتمان انتقادی برای فرکلاف عبارتست از: تحلیل رابطه میان کاربرد عینی زبان و ساختارهای گسترده تر فرهنگی اجتماعی. او برای هر رویداد گفتمانی سه جنبه در نظر می‌گیرد که عبارتند از: ۱- متن: متون ممکن است شنیداری ۱ یا نوشتاری باشند و متون شنیداری میتوانند فقط سمعی باشند (رادپو)، یا سمعی بصری باشند (تلویزیون)، ۲- ساز و کارهای گفتمانی ۲ و ۳- ساز و کارهای اجتماعی ۳.

تحلیل متنی عبارتست از شیوه سازماندهی گزاره‌ها و اینکه چگونه این گزاره‌ها به یکدیگر مربوط شده و به طور متوالی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. در واقع تحلیل متن شامل صورتهای سستی تحلیل زبانی، یعنی تحلیل واژگانی، معنایی و دستوری جملات و واحدهای کوچکتر از آن و تحلیل نظام آوایی و نوشتاری میباشد. و همچنین شامل تحلیل نظام متنی فراتر از سطح جمله نیز میشود که دربرگیرنده روشهایی میشود که از آن طریق جملات به هم مربوط میشوند و مسائلی مانند سازماندهی نوبت گیری در مکالمه یا ساختار کلی یک مقاله در یک روزنامه را نیز در بر می‌گیرد. تحلیل متن هم شامل صورت متن میشود و هم محتوای معنایی آن. جنبه ساز و کار گفتمانی یک رویداد ارتباطی شامل فرآیندهای مختلف تولید و مصرف متن میشود، در این مرحله است که تحلیل ما یک تحلیل گفتمانی میشود نه صرفاً تحلیل متنی. تحلیل گفتمان یعنی تحلیل متون هنگامی که آنها در شرایط اجتماعی تولید و مصرف قرار گرفته و به آن مربوط میشوند.

فرکلاف همچنین می‌گوید یک تحلیل انتقادی گفتمان تمام عیار باید تحلیل ساز و کار فرهنگی اجتماعی متن یا جریان‌های فرهنگی و اجتماعی که رویداد اجتماعی بخشی از آن است را نیز در بر بگیرد که این یعنی ساز و کار اجتماعی یک رویداد ارتباطی.

فرکلاف در تحلیل خود از مؤلفه‌های مختلفی چون انتخاب واژگان، نامگذاری و ارجاع، استعاره، کنایه، مجاز، مؤلفه‌های نحوی، عوامل انسجامی و غیره برای تحلیل متون بهره می‌گیرد که در این پژوهش چهار مؤلفه واژگان و معانی آنها، نامگذاری و ارجاع، کنایه، مجاز برای تحلیل متون انتخاب شده‌اند.

۳- روش تحقیق، مؤلفه‌های مورد استفاده

<sup>۱</sup> oral

<sup>۲</sup> Discursive practices

<sup>۳</sup> Social practices

۱- انتخاب واژگان و معانی آنها : تحلیل واژگان خاصی که در یک متن به کار رفته اند تقریباً همیشه اولین مرحله هر تحلیل گفتمانی یا متنی میباشد . واژگان نشان دهنده تأثیر جامعه و قضاوت های شخصی می باشند؛ یعنی علاوه بر معانی صریح تحت اللفظی ، معانی ضمنی را نیز منتقل میکنند. تمام انواع واژگان و بخصوص اسامی، افعال، صفات و قیود علاوه بر معانی صریح خود شامل معنی ضمنی نیز میباشند.

۲- نامگذاری و ارجاع ۱ : طریقی که افراد در متن وگفتمان نامگذاری میشوند میتواند تاثیر مهمی بر طرز نگرش به آنها داشته باشد. همگی ما به طور همزمان دارای مجموعه ای از هویت ها ، نقشها و خصوصیات هستیم که میتوانند برای توصیف دقیق ما به کار روند ، در حالی که معانی متفاوتی دارند. طریقی که کارگزاران اجتماعی نامگذاری میشوند ، نه تنها گروههایی را که افراد در آنها عضو هستند را مشخص میسازد ( حداقل گروههایی که نویسنده / گوینده عمداً میخواهد که عضو آنها باشند) ، بلکه رابطه بین فرد نام گذارنده و فرد نامگذاری شده را نیز مشخص میکند.(ریچاردسون، ۲۰۰۷: ۴۹)

نویسندگان باید برای افراد موجود در داستان ها و متون خود نامی ارائه دهند و این نامگذاری همیشه مشتمل بر انتخاب است و مسلماً با ترجیح یک مقوله اجتماعی بر مقوله ای دیگر ، آنها افراد را در یک گروه قرار داده و از گروههای دیگر خارج میکنند یا میخواهند یک گروه اجتماعی را در میان دیگر گروههای یکسان قابل جایگزینی ، در مرکز توجه قرار دهند. رزیگل و وداک(۲۰۰۱) ۲ این انتخابهای نامگذاری را "استراتژی ها یا راهکارهای ارجاعی متن " ۳ نامیده اند و گفته اند که انتخاب اینکه یک شخص یا گروه را با عبارت خاصی توصیف کنیم ، میتواند اهداف سیاسی، اجتماعی و روانشناختی متفاوتی را دنبال کند.

راهکارهای ارجاعی انتخاب شده ، نقش مهمی را در متن ایفا میکنند. آنها نه تنها معنا و ارزشهایی اجتماعی خاصی را به مرجوع<sup>۴</sup> نسبت میدهند ، بلکه همچنین نوعی انسجام بین روش توصیف یک کارگزار اجتماعی و طریقی که دیگر کارگزاران اجتماعی توصیف شده اند و مورد ارجاع قرار گرفته اند را به وجود می آورند .

۳ - گزاره پردازی<sup>۵</sup> : از دیگر موارد مربوط به تحلیل متن، انتخاب کلماتی است که برای باز نمود مستقیم تر ارزشها و خصوصیات کارگزاران اجتماعی به کار میروند ؛ این توصیفات راهبردهای گزاره پردازی متن<sup>۶</sup> نامیده می شوند ؛ یعنی فرآیند نسبت دادن صفات و ویژگیهایی به اشخاص ، حیوانات ، اشیا ، رویدادها ، اعمال و پدیده های اجتماعی از نظر زبانی. از طریق راهبردهای گزاره پردازی است که اشخاص و غیره بر اساس کمیت ، کیفیت، مکان ، زمان و غیره ، مشخص شده و توصیف میشوند ؛ استراتژی های گزاره پردازی اصولاً

<sup>۱</sup> Naming and reference

<sup>۲</sup> Reisigl and wodak

<sup>۳</sup> Text's referential strategies

<sup>۴</sup> Referent

<sup>۵</sup> Predication

<sup>۶</sup> Text's predicational strategies



توسط صورتهای خاصی از ارجاع، اسنادی ها<sup>۱</sup> (شامل صفات، بدل ها<sup>۲</sup> گروههای حرف اضافه ای، گروههای ربطی، گروههای صفتی، وابسته ها، گروههای حرف ربط، ...)، مسند ها یا اسامی، صفات و ضمائر اسنادی، با هم آبی ها<sup>۳</sup> قیاس ها، تشبیهات، استعاره ها و دیگر صنایع بدیعی<sup>۴</sup>، همچنین اشارات<sup>۵</sup>، تجسم ها<sup>۶</sup>، پیش فرضها و معانی ضمنی محقق میشوند. از گزاره پردازی یا اسناد همچنین میتوان برای انتقاد، بدنام کردن و متزلزل ساختن شخصیت برخی کارگزاران اجتماعی هم استفاده کرد.

۴- کنایه<sup>۷</sup>: دستورهایی سنتی کنایه را اینچنین تعریف می کنند: گفتن چیزی در حالی که منظور مورد نظر چیزی دیگر است. ولی چنین تعریفی کارآیی لازم را ندارد؛ چرا که یک نکته مهم را از قلم انداخته است؛ اینکه یک عبارت کنایه آمیز، غالباً انعکاسی از سخن و گفته شخص دیگری است. برای مثال فرض کنید کسی به دوستش بگوید: «امروز چه روز خوبی برای گردش و تفریح است»، سپس آنها به گردش رفته، ولی ناگهان باران شروع به باریدن میکند، سپس نفر دوم میگوید: «امروز چه روز خوبی برای گردش و تفریح است» ، یعنی گفته دوستش را عیناً تکرار میکند. ولی بین معنا و منظور مورد نظر او و دوستش کاملاً تفاوت وجود دارد. نقش اصلی گفته او این است که نوعی دیدگاه و نگرش منفی نسبت به گفته دوستش یا خود او - مثل خشم، نیش و کنایه و طعنه یا هر چیز دیگری - ابراز کند. (فرکلاف، ۱۹۹۲: ۱۲۳)

۵- مجاز<sup>۸</sup>: نوعی جایگزینی است که در آن یکی از اجزای درون چیزی، به جای آن قرار داده میشود. در واقع نوعی جانشینی که در آن چیزی که به X مربوط و جزئی از آن است، جایگزین خود X شود. در واقع در فرآیند مجاز یک کلمه، عبارت یا شیء جایگزین کلمه، عبارت یا شیء دیگری از یک حوزه معنایی مربوط به آن شود. مجاز از استعاره متفاوت است، به این دلیل که استعاره با خصوصیات مشابه سروکار دارد، ولی مجاز با رابطه ای مستقیم تر عمل میکند.

از جنبه تحلیل گفتمانی اهمیت مجاز نه در حضور آن در یک متن، بلکه در روشی که به کار برده میشود، نهفته است. اغلب مجازها با این دلیل به کار میروند که عاملان مسئول، ناشناخته اند. به عبارت دیگر مجاز گوینده یا نویسنده را قادر میسازد تا عاملان مسئول، متاثر یا شرکت کننده را ناپدید کرده یا آنها را در پشت پرده نگه دارد. (ریچاردسون، ۲۰۰۷: ۶۸-۶۷)

#### ۴- تجزیه و تحلیل متن داستان بر اساس مؤلفه های ذکر شده

<sup>۱</sup> Attributes

<sup>۲</sup> Appositions

<sup>۳</sup> Collocations

<sup>۴</sup> Rhetorical figures

<sup>۵</sup> allusion

<sup>۶</sup> Evocations

<sup>۷</sup> Irony

<sup>۸</sup> Metonym

## ۱-۴ - خلاصه داستان رجل سیاسی

داستان درباره شخصی است به نام شیخ جعفر که به شغل پنبه زنی و حلّاجی مشغول است و بر حسب اتفاق از ازدحام و شلوغی مردم در مقابل مجلس استفاده کرده خود را سیاسی و طرفدار ملت و دموکراسی جا می زند و همین امر باعث می شود فوت و فن رفتارها و اصطلاحات سیاسی را بیاموزد و از این طریق به نان و نوایی برسد و از جریان های مخالف سیاسی به نفع خود استفاده کند و با تظاهر به حق خواهی و عدالت خواهی برای ملت به وکالت مجلس برسد اما چون از کار سیاسی و از ترس جان در بیم و عذاب است خود را از مرکز حکومت دور کرده به شهر نایین اکتفا می کند و با همان وجهه ی ظاهری و نفوذ سیاسی پسرش را نیز به ریاست معارف فارس می رساند و از این طریق از زندگی سخت و دشوار حلّاجی و پنبه زنی و شماتت زن خلاصی می یابد و به نان و نوایی بی حد و حساب می رسد.

اما این فقط لایه بیرونی و ظاهری داستان است؛ در ادامه به تحلیل های افکار، عقاید، اعتراضات، حقایق و پیام های نهفته در داستان با استفاده از برخی از مؤلفه های مطرح شده در تحلیل گفتمان پرداخته می شود. به علت فراوانی نمونه ها در هر مورد به آوردن تعدادی از آنها اکتفا شده است.

## ۲-۴ - بررسی واژگان و اصطلاحات و گزاره پردازی

در سطح واژگان اولین نکته قابل توجه کاربرد فراوان لغات و اصطلاحات عامیانه و گفتاری (بخصوص مورد استفاده طبقات پایین تر جامعه) در داستان است. اصطلاحاتی که پیش از این به ندرت در ادبیات و متون نوشتاری یافت می شدند. جمال زاده این کار را در راستای همگانی کردن ادبیات و نفی انحصار ادبی به دست عده محدودی انجام داده است. در ادامه نمونه هایی از این اصطلاحات آورده شده است:

از قضا بختمان هم زد، ما هم مثل خر وامانده که معطل هس است، مثل شتر مست، ککش هم نمی گزد، قلیچماق، شوخی موخی، فکلیها (در اشاره به وکلای مجلس)، کج و معوج، کشک و ماست و زهرمارهای دیگر، به عقل جن، یک چیزهای آب نکشیده ای، عرو عوری، سگ دو، قاز سیاه، بقال و چقال، لیچار، بامبولها و دوز و کلکها، چاروادار، شعر بند تنبانی، پرروی چاخان آپاردی، پاچه ورمالیده، تازه مازه. ... : همانطور که مشاهده می شود واژگان و اصطلاحاتی از این قبیل در محاوره و گفتار کاربرد دارند تا در نوشتار و ادبیات

نکته قابل ذکر دیگر اینکه نویسنده مکرراً از واژگان، صفات و عبارات وصفی دارای بار معنایی منفی برای توصیف حاج علی و شیخ جعفر و... بهره برده است که این صفات در واقع به افراد صاحب قدرت و مقام در آن دوران بر می گردند.

حاج علی که یکسال پیش آه نداشت با ناله سودا کند ؛ حاج علی بی سروپا و یکتا قبا  
... حرفهای کلفتی میزد که بعدها خودم را به تعجب در آورد... : بیان تمسخر



... یک دفعه خودم را در محضر وکلا دیدم و از دست پاچگی یک لنگه کفشم از پا در آمد و یک پا کفش را یک پا برهنه وارد شدم... در همه این موارد نویسنده با کاربرد عبارات منفی و تمسخر آمیز می‌خواهد این واقعیت را بیان کند که افرادی به مقام‌های بالا رسیده‌اند که کفایت و صلاحیت لازم را ندارند.

... بعد از آن چند نفر دیگر هم حرف‌های پیچیده و کج و معوج می‌زدند...  
... دموکراتها و اعتدالیها و کشک و ماست و زهرمارهای دیگر... : باز هم واژگان منفی برای توصیف

سیاسیون

... و چشم ندارند ببینند حریف تازه‌ای قدم در معرکه آنها بگذارد... : در توصیف وکلا و سیاسیون  
... ولی حاج علی را می‌دانستم که گرگ بازان خورده و بامبول باز ... است ...

#### ۴-۳- بررسی مجاز و نامگذاری و ارجاع

نویسنده به جای اشاره مستقیم به نام افراد یا گروه‌هایی که به انتقاد از آنها پرداخته است، از اسامی خاص عامیانه استفاده می‌کند. شخصیت‌هایی چون «شیخ جعفر» و «حاج علی» که در تمام طول داستان نیز مکرراً به آنها اشاره شده است در واقع مجاز از سیاستمداران و افراد صاحب جاه و مقامی می‌باشد که بدون داشتن کفایت لازم و دانش و آگاهی در مقامی نشسته‌اند که صلاحیت آن را ندارند. همچنین القابی چون خاقان السلطنه، فغفور الدوله، فلان السلطنه نیز مجاز از اشراف و شاهزادگان می‌باشند.

... در صورتیکه همسایمان حاج علی که یکسال پیش آه نداشت با ناله سودا کند کم کم داخل آدم شده و برو و بیایی پیدا کرده و زنش می‌گوید که همین روزها هم وکیل مجلس میشود ...  
... حاج علی بی سروپا و یکتا قبا از بس سنگ دوی کرده و شرو و ر بافته بود کم کم برای خود آدمی شده بود، اسمش را توی روزنامه‌ها می‌نوشتند ...

... کم کم بیکارها و کورو کچلها هم دور و ور ما افتادند و ما خودمان را صاحب حشم و سپاهی دیدیم ...  
در این جمله و جملات مشابه دیگر عباراتی چون «بیکارها و کورو کچلها» مجاز از طرفداران و اطرافیان سیاسیون می‌باشند. نویسنده می‌خواهد بگوید افراد فاقد کفایت و صلاحیت در جایگاه‌های مهم نشسته و در اداره کشور دست دارند؛ اما چون نمی‌تواند این اعتراض و انتقاد خود را مستقیم بیان کند از مجاز و بیان غیر مستقیم بهره گرفته است.

... یکی را نمی‌دانم فلان السلطنه بزور از خانه اش بیرون کرده بود...

در این جمله فلان السلطنه مجاز از اشراف و شاهزادگان می‌باشد. همچنین یکی از مرسومات رایج در عصر مشروطه دادن القاب به اشراف و شاهزادگان و صاحبان مقام از سوی پادشاه بوده است؛ که نویسنده با کاربرد واژه فلان در واقع به این واقعیت اشاره دارد و به آن اعتراض می‌کند. ضمن اینکه در طول داستان مشاهده می‌شود که شخصیت اصلی داستان - شیخ جعفر - به محض ورود به مجلس و در واقع سری بین سرها در آوردن به صورت «جناب آقا شیخ جعفر»، «جناب حاج شیخ جعفر» و «آقا شیخ جعفر» خطاب

می شود. در واقع نویسنده با این کار می خواهد بگوید که آدمها همان آدم های قبلی اند و فقط القابی به آنها اضافه شده است.

#### ۴-۴- بررسی کنایه

همانطور که اشاره شد کنایه یعنی گفتن چیزی در حالی که منظور مورد نظر چیزی دیگر است و اینکه یک عبارت کنایه آمیز، غالباً انعکاسی از سخن و گفته شخص دیگری است. حال در این قسمت مواردی از کنایه را بررسی می کنیم. در همه این موارد نویسنده چیزی گفته درحالی که منظورش چیز دیگری است. ... ولی این حرفها تو گوش شیخ جعفر نمی رفت و درد وطن کار را از اینها گذرانده ... نویسنده کاملاً کنایه آمیز سخن گفته و منظور او این است که همه چیز جز درد وطن در اعمال سیاستمداران دخیل است. ... این بود که رو به جمعیت کرده و گفتم: مردم احترام قانون لازم است! ... ولی دیدم مردم به کلی متفرق شده اند و معلوم شد ملت با غیرت و نجیب بیش از این پافشاری را در راه حقوق خود جایز ندانسته ....

... بادی در آسنین انداخته و گفتم بله آخر مملکت هم صاحبی دارد! آمال ملت باید به عمل آید....

... ولی این حرفها تو گوش شیخ جعفر نمیرفت و درد وطن کار را از اینها گذرانده...

... ای ایرانیان! ای با غیرت ایرانی! وطن از دست رفت تا کی خاک تو سری؟ اتحاد! اتفاق! برادری!...

در این جملات لحن نویسنده در عباراتی چون ملت با غیرت و نجیب، درد وطن و آمال ملت کاملاً کنایه آمیز است و به سخنان و عملکرد وکلای مجلس اشاره دارد که فقط حرفهای قلمبه زده و شعار می دهند، به ظاهر طرفدار ملت و حقوق ملت هستند، اما در عمل کاری از پیش نمی برند. در جملات زیر نیز لحن کنایی و تمسخر آمیز نویسنده مشهود است. در همه این موارد نویسنده از کنایه برای بیان غیر مستقیم اوضاع نابسامان کشور و اعتراض به عملکرد سیاسیون و صاحبان قدرت بهره برده است.

... امروز روزی است که وکلای ملت شجاع و نجیب ایران باید تکلیف خود را دا کنند و الا ملت حاضر است جان خود را فدا کند و من مسئول نمی شوم که جلوی ملت را بتوانم بگیرم... باز هم لحن کنایه آمیز و اشاره به اینکه سیاسیون فقط شعار می دهند.

... پیش از آنکه خودم به خانه رسیده باشم شرح شجاعتم بآنجا رسیده بود ...

در این جمله منظور نویسنده دقیقاً بر عکس است، چرا که شیخ جعفر کاری نکرده که شجاعت باشد.

... و گویا به کلی فراموش کرده که چند دقیقه پیش واسطه مستقیم بیت هیئت دولت و ملت نجیب و غیور ایران بوده است...

... هر دو فرزند رشید ایران و مدافع استقلال و آزادی اند! : نویسنده منظورش این است که به تنها چیزی که نمی اندیشند استقلال و آزادی کشور است. باز هم کنایه و گفتن چیزی و منظور دیگری داشتن. نویسنده تمامی این حرفها را با لحن کنایی از جانب شیخ جعفر یا درباره او بیان کرده که تا چندی پیش نه چنین

چیزهایی به گوشش خورده بود و نه اینگونه سخنانی بر زبان رانده بود و می‌خواهد بگوید که هم اکنون نیز خودش از حرفهایی که میزند چیزی دستگیرش نمی‌شود.

... پیشوای حقیقی ملت، پدر وطن و وطن پرستان، افلاطون زمان، ارسطوی دوران...: اینها نیز القابی هستند که روزنامه‌ها برای شیخ جعفر به کار برده‌اند و نویسنده با تمسخر و کنایه بدانها اشاره می‌کند.

#### ۴-۵ - بررسی کلان ساختارهای معنایی

ون دایک که از صاحب نظران تحلیل گفتمان می‌باشد، در تحلیل‌های خود مؤلفه‌ای تحت عنوان موضوعات<sup>۱</sup> یا کلان ساختارهای معنایی<sup>۲</sup> مطرح می‌کند. یعنی موضوعات غالب؛ موضوعاتی که در متون بیشتر بدانها اشاره شده است. در داستان راجل سیاسی در خلال موضوع اصای داستان که به تصویر کشیدن اوضاع و شرایط اجتماعی سیاسی در دوران مشروطه می‌باشد، موضوعات دیگری نیز مطرح شده‌اند که در این قسمت به آنها اشاره می‌شود.

۱- انتقاد از وکلای مجلس و به طور کلی سیاسیون و اعتراض به اعمال و عملکرد آنها

... در صورتی که همسایه مان حاج علی که یک سال پیش آه نداشت با ناله سودا کند کم کم داخل آدم شده و برو بیایی پیدا کرده و زنش می‌گوید که همین روزها هم وکیل مجلس می‌شود. با ماهی صدتومان دو هزاری چرخشی و هزار احترام!..

... حاج علی بی سروپا و یکتا قبا از بس سگ دوزی کرده و شرو و ر بافته بود کم کم برای خود آدمی شده بود، اسمش را توی روزنامه‌ها می‌نوشتند و می‌گفتند دموکرات شده و بدون برو بیا وکیل هم می‌شد و با شاه و وزیر نشست و برخاست هم می‌کرد...

... حرفهای کلفتی می‌زد که بعدها خودم را هم به تعجب در آورد...

... و ما هم بادی در آستین انداخته و با بادو بروت هر چه تمامتر داخل شدیم. ولی پیش خود فکر می‌کردیم که مرد حسابی اگر حالا از تو بپرسند حرفت چیست و مقصودت کدام است چه جوابی می‌دهی....  
...چند نفر دیگر هم خیلی حرفهای پیچیده و کج و معوج زدند و من چیزی که دستگیرم شد این بود که فکلی موسفید اولی رئیس الوزراء بود و باقی دیگر هم سرگنده‌های دموکراتها و اعتدالیها و کشک و ماست و زهرمارهای دیگر...

...دیروز هیچ کس پهن هم بارت نمی‌کرد امروز بر ضد شاه و صدر اعظم علم بلند می‌نمایم. با فوج فوج سرباز و سیلاخوری طرف می‌شوی. مثل بلبل نطق می‌کنی...

... بادی در آستین انداخته و گفتم بله آخر مملکت هم صاحبی دارد! آمال ملت باید به عمل آید....

... برادر اگرچه دیروز یکدفعه راه صد ساله رفتی و الآن در کوچه و بازار سمت بر سر همه زبانهاست...

<sup>۱</sup> Topics

<sup>۲</sup> Semantic Macrostructures



... و من هم می قول و وعده بود که مثل ریگ خرج می کردم...

... و من هم مثل اینکه سر سیم مخصوص وزارتخانه های ایران و خارجه با صندوقخانه اتاقم وصل باشد جوابهای مختصر و معما مانند ... می دادم ...

۲- انتقاد از روزنامه ها و روزنامه نگاران

... فردا صبح روزنامه های پایتخت هرکدام با شرح و تفصیل گزارشات دیروز را نوشتند و حدت و حرارت مرا حمل به بیداری «حسیات ملت» کردند ..

... حتی یک نفر آمده بود می گفت اسمش مخبر است و می گفت می خواهد مرا «عن ترویو» بکند و یگ چیزهای آب نکشیده ای از من پرسید که بعقل جن نمی رسید...

... از همان فردا هی روزنامه بود که پشت روزنامه مثل ملخی که به خرمن بیفتد بخانه ما باریدن گرفت و دیگر لقبی نبود که به ما ندهند...

۳- انتقاد از عملکرد اشراف و شاهزادگان

... یکی را نمی دانم فلان السلطنه بزور از خانه اش بیرون کرده بود و ملکش را تصاحب نموده بود...

... و دستگیرم شد که از چه قرار است ؛ خاقان السلطنه پا تو کفش فغفورالدوله کرده و اسم ما را هم شنیده و میخواهد اسبابچینی برای انداختن او بکند...

۴- اشاره به زواج ریا و تملق و رشوه و ... در جامعه و در بین صاحبان مقام و قدرت و استفاده از مقام و قدرت در جهت منافع شخصی و مالی

... ولی همین که پاشنه ات محکم شد آنوقت دیگر خودت هم جزو گزومه و قراول چهارسو می شوی دیگر گزومه و قراول که اذن شب لازم ندارند ولی بازهم معلوم است ، اگر بتوانی شیوه ای بزنی که کسی نفهمد رشوه می گیری و حتی بزنی و بچه ات هم متشبه کنی آنوقت دیگر از آن سرگنده های سیاسیها می شوی ...

... باید دست و پای کرد و دوز و کلکی چید...

... ولی چندماهی که وکالت کردم دیدم کار خطرناکی است، اگرچه نان آدم توی روغن است ....

... و گفت امروز پای نطق شما بودم، قیامت کردید .... راستی استادی به خرج دادید. افلاطون زمان خود هستید. مجسمه شما را حتماً از طلا خواهند ریخت...

... انگار در قالب تعارف و تملق ریخته شده بود : دهنش می گفت : خانه زادم، چشمش می گفت کمترین شما هستم، گردنش خم می شد و راست می شد و می گفت خادم آستان شمایم ، خلاصه مثل دجال گوئیا هر موی تنش زبانی داشت و از همین تعارف های هزار تا یک غاز قالب میزد ...

۵ - اشاره به فقر و وضع بد معیشتی مردم

... جیبم از آیینه نوعروسان پاکتر بود و در هیچ جا یک غاز سیاه سراغ نداشتم...

...از همه بدتر ماهیانه مدرسه حسنی بود ...

## ۵ - بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که ملاحظه شد در این داستان نویسنده از شیوه روایی و داستانی و حکایتی برای بیان حقایق و مسائل و مشکلات جامعه زمان خود بهره گرفته است. واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه و محاوره‌ای به خصوص واژگان و اصطلاحاتی که بیشتر در بین طبقات پایین‌تر جامعه به کار می‌روند، در راستای همگانی کردن ادبیات در بین عامه مردم و نفی انحصار ادبی در بین خواص و اقلیت به کار رفته‌اند. همچنین برای بیان اعتراض و انتقاد نسبت به اوضاع سیاسی اجتماعی کشور و عملکرد صاحبان قدرت از صفات و اژگان منفی استفاده شده است. دو مؤلفه مجاز و کنایه نیز به بیان غیر مستقیم این اعتراضات کمک کرده‌اند. در کنار بازنمود وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور، برخی دیگر از کلان‌ساختارهای معنایی بیان شده در داستان نیز عبارت بودند از: انتقاد از وکلای مجلس و به طور کلی سیاسیون و اعتراض به اعمال و عملکرد آنها، انتقاد از روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران، انتقاد از عملکرد اشراف و شاهزادگان، اشاره به رواج ریا و تملق و رشوه در جامعه و در بین صاحبان مقام و قدرت و استفاده از مقام و قدرت در جهت منافع شخصی و مالی و اشاره به فقر و وضع بد معیشتی مردم.

سخن آخر اینکه ادبیات و گونه‌های مختلف ادبی در عصر مشروطه ابزاری بوده است برای رساندن پیام‌های سیاسی و اجتماعی؛ و همانطور که ملاحظه شد جمال‌زاده در داستان کوتاه «رجل سیاسی» برای رساندن پیام‌های خود از ابزارهای زبانی مختلفی چون مجاز، کنایه، انتخاب واژگان و گزاره پردازی بهره بسیار برده است.

## کتابنامه

- آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان، ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشرنی
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه گروه مترجمان، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- لطفی پور ساعدی (۱۳۷۱)، «درآمدی به سخن کاوی»، مجله زبان‌شناسی، سال نهم، شماره اول: ۳۹-۹
- مک‌دائل، دایان (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان، ترجمه حسین علی‌نوذری، انتشارات فرهنگ گفتمان: تهران
- میلز، سارا (۱۳۸۲)، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، تهران، انتشارات هزاره سوم

- ون دایک ، تئون ای (۱۳۸۲) ، مطالعاتی در تحلیل گفتمان : از دستور متن تا سخن کاوی انتقادی ، ترجمه گروه مترجمان ، تهران ، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها
- ون دایک ، تئون ای (۱۳۸۲) ، « اصول گفتمان کاوی انتقادی » در ون دایک ، تئون ای ، مطالعاتی در تحلیل گفتمان : از دستور متن تا سخن کاوی انتقادی ، ترجمه گروه مترجمان ، تهران ، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها
- یارمحمدی ، لطف ا... (۱۳۸۵) ، ارتباطات از منظر گفتمان شناسی انتقادی ، تهران ، انتشارات هرمس
- یارمحمدی ، لطف ا... (۱۳۸۳) ، گفتمان شناسی رایج و انتقادی ، تهران ، انتشارات هرمس
- Blommaert, Jan (2005), *Discourse: a Critical Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Brown, Gillian, Yule, George (1983), *Discourse Analysis*, Cambridge: Cambridge University Pres.
- Fairclough, Norman (1992), *Discourse and Social change*, London: Polity.
- Fairclough, Norman (1995), *Media Discourse*, London: Hodder Arnold Publishing
- Fairclough, Norman (1995), *Critical Discourse Analysis*, London: Longman
- Fairclough, Norman (2001), " Critical Discourse Analysis as a Method in Social Scientific Research " in Wodak, Ruth, Mayer, Michael, *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: SAGE Publications Ltd: 121 - 139
- Fairclough, Norman (2003), *Analyzing Discourse: Textual Analysis for social research*, London: Routledge Publishing
- Johnstone, Barbara (2008), *Discourse Analysis*, Blackwell publishing
- Jorgenson, Marianne, Philips, Louise J (2002), *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: SAGE Publications Ltd
- Levinson, Stephen C (1983), *pragmatics*, Cambridge University Press: Cambridge
- Paltridge, Brian (2006), *Discourse Analysis: An Introduction*, Britain: MPG Books LTD
- Paul Gee, James (1999), *an Introduction to Discourse Analysis: Theory and Method*, London: Routledge Publishing
- Philips, Nelson, Hardy, Cynthia (2002), *Discourse Analysis: Investigating process of Social Construction*
- Richardson, John E (2007), *Analyzing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis*, Palgrave Publishing: New York
- Stubbs, Michael (1983), *Discourse Analysis*, Britain: Basil Blackwell Ltd
- Van Dijk, Teun A (2001), " Multidisciplinary CDA: a plea for diversity " in Wodak, Ruth, Mayer, Michael, *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publications Ltd: London: 95 - 121
- Van Dijk, Teun A (2001), "Critical Discourse Analysis" in Tannen, D and others, *Handbook of Discourse Analysis*, Oxford: Blackwell Publishing: 325 - 371
- Wodak, Ruth, Mayer, Michael (2001), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: SAGE Publications Ltd:
- Wodak, Ruth (2001), " the Discourse - Historical Approach " in Wodak, R, Mayer.M, *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: SAGE Publications Ltd: 63 - 95